



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بجثمان در ولایت فقیه بود و به اینجا منتهی شد که بر اساس أدله تأسیس حکومت اسلامی لازم می باشد لذا کسانی که در خودشان صلاحیت لازم را می بینند نباید آرام بنشینند بلکه باید قیام کنند و حکومت اسلامی تأسیس کنند، برخی در این بین تأسیس حکومت اسلامی را حرام دانسته اند و هر حکومتی قبل از ظهور امام عصر علیه السلام را طاغوت دانسته اند و حالا بجثمان در این است که دلیل اینها بر حرمت تأسیس حکومت اسلامی در زمان غیبت چیست؟ اینها به چند روایت تمسک کرده اند که در وسائل الشیعة ذکر شده و صاحب وسائل عنوان باب را اینطور نامگذاری کرده: «حکم الخروج بالسيف قبل قيام القائم عليه السلام».

خبر اول این خبر است: ﴿مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى، عَنْ عِيصِ بْنِ الْقَاسِمِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: عَلَيْكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ وَحَدِّهِ لَا شَرِيكَ لَهُ وَانظُرُوا لِأَنْفُسِكُمْ، فَوَاللَّهِ إِنْ الرَّجُلَ لِيَكُونَ لَهُ الْغَنَمُ فِيهَا الرَّاعِي، فَإِذَا وَجَدَ رَجُلًا هُوَ أَعْلَمُ بِغَنِيمِهِ مِنَ الَّذِي هُوَ فِيهَا يَخْرُجُهُ وَيَجِيءُ بِذَلِكَ الرَّجُلَ الَّذِي هُوَ أَعْلَمُ بِغَنَمِهِ مِنَ الَّذِي كَانَ فِيهَا، وَاللَّهُ لَوْ كَانَتْ لِأَحَدِكُمْ نَفْسَانِ يِقَاتِلُ بِوَاحِدَةٍ يَجْرِبُ بِهَا ثُمَّ كَانَتْ الْآخَرَى بَاقِيَةً يَعْمَلُ عَلَى مَا قَدْ اسْتَبَانَ لَهَا، وَلَكِنْ لَهُ نَفْسٌ وَاحِدَةٌ إِذَا ذَهَبَتْ فَقَدْ وَاللَّهِ ذَهَبَتِ التَّوْبَةُ

فأنتم أحق أن تختاروا لأنفسكم، إن أتاكم آت منا فانظروا على أي شيء تخرجون...^۱.

خبر سنداً صحیح است.

معلوم می شود که مورد خاصی سوال شده بوده که حضرت ابتدا اینطور جواب داده اند و بعد در مورد قیام زید پاسخ داده اند، زید بن علی بن حسین علیهما السلام بسیار با فضیلت و با شخصیت و مهم است که در زمان عبدالملک بن مروان بوده، مروان با عثمان خیلی مربوط بود و در زمان او نیز سمتهایی داشت و وقتی عثمان کشته شد همراه طلحه و زبیر در جنگ جمل بود و در مقابل حضرت امیر علیه السلام ایستاد اما کشته نشد بلکه اسیر شد، مروان را خدمت حضرت امیر علیه السلام آوردند که در نهج البلاغه ذکر شده که حضرت در مورد او اینطور فرمودند: ﴿قاله لمروان بن الحكم بالبصرة:

قالوا : أِحَدٌ مَرَوَانَ بْنِ الْحَكَمِ أُسِيرًا يَوْمَ الْجَمَلِ، فَاسْتَشْفَعَ الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَكَلَّمَاهُ فِيهِ، فَخَلَى سَبِيلَهُ، فَقَالَ لَهُ : يَا بِياعِكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ؟ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَوْ لَمْ يُبَايَعْنِي بَعْدَ قَتْلِ عُثْمَانَ؟ لِأَحَاجَةَ لِي فِي بَيْعَتِهِ! إِنَّهَا كَفَّ يَهُودِيَّةً، لَوْ بَايَعْنِي بِكَفِّهِ لَعَدَرَ بِسُبَّتِهِ أَمَا إِنَّ لَهُ إِمْرَةً كَلَعَقَةَ الْكَلْبِ أَنْفَهُ. وَهُوَ أَبُو الْاَكْبُشِ الْارْبَعَةِ، وَسَتَلَقَى الْأُمَّةُ مِنْهُ وَ مِنْ وَلَدِهِ يَوْمًا (مَوْتًا) أَحْمَرَ!^۲.

همان طور که می بینید حضرت اخبار غیبی در مورد مروان و اولاد او می دهند و می فرمایند مروان زمان بسیار کمی به حکومت می رسد، وقتی که یزید مُرد

^۱ وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱۱، ص ۳۵، ابواب جهاد العدو، باب ۱۳، حدیث ۱، ط الإسلامیة

^۲ نهج البلاغه، تنظیم مرحوم دشتی، ص ۵۵، کلام ۷۳.

وهو يعصينا اليوم وليس معه أحد، وهو إذا كانت الرايات والألوية أجدر أن لا يسمع منا إلا من اجتمعت بنو فاطمة معه، فوالله ما صاحبكم إلا من اجتمعوا عليه إذا كان رجب فاقبلوا على اسم الله، وإن أحببتم أن تتأخروا إلى شعبان فلا ضير، وإن أحببتم أن تصوموا في أهاليكم ففعل ذلك يكون أقوى لكم، وكفاكم بالسفياي علامة^۳.

بقیه بحث بماند برای فردا إن شاء الله تعالی

والحمد لله رب العالمين و صلى الله على

محمد و آله الطاهرين

مردم جمع شدند با پسرش معاویه بن یزید بیعت کنند او به مسجد آمد و خطبه خواند و گفت که حق با اهل بیت علیهم السلام است و پدر من یزید و جد من معاویه حق را غصب کردند و به جنگ اهل بیت علیهم السلام رفتند و اشتباه کردند و حالا اگر کسی می خواهد راه حق را برود با علی بن الحسین علیهما السلام بیعت کند، خب وقتی که اینطور شد و معاویه بن یزید کنار رفت بنی امیه آرام ننشستند و رفتند مروان را آوردند و به حکومت نشانند منتهی فقط چند ماه حکومت کرد و البته باعث شد که بعد از خودش پسرانش ولید و هشام و یزید و سلیمان به حکومت برسند که در میان این چهار نفر هشام از همه بدتر و ظالم تر و خون ریزتر بوده و وقتی خیلی ظلم او زیاد شد زید بن علی بن حسین علیهما السلام قیام کرد، زید در سال ۱۲۱ قمری خدمت امام صادق علیه السلام رسید و با ایشان مشورت کرد که قیام کند و بعد داستان های بعدی رخ داد که بسیار مفصل است و بعداً مفصلاً جریان قیام زید را خواهیم گفت.

امام صادق علیه السلام در ادامه حدیث عیص بن قاسم که مقداری از آن را خواندیم در جواب اینکه عده ای می خواستند قیام کنند نام از زید و قیامش می برند و اینطور می فرمایند: ﴿ولا تقولوا خرج زید، فان زیدا كان عالماً وكان صدوقاً ولم يدعكم إلى نفسه، وإنما دعاكم إلى الرضا من آل محمد صلى الله عليه وآله ولو ظهر لوفى بما دعاكم إليه إنما خرج إلى سلطان مجتمع لينقضه، فالخارج منا اليوم إلى اي شئ يدعوكم إلى الرضا من آل محمد صلى الله عليه وآله وسلم فنحن نشهدكم انا لسنا نرضى به

^۳ وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱، ص ۳۶، ابواب جهاد العدو، باب ۱۳، حدیث ۱، ط الإسلامیة.